

پیام به مناسبت برگزاری اجلاس هزاره رهبران روحانی برای صلح جهانی در سازمان ملل - 7 شهریور / 1379

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت برگزاری اجلاس هزاره رهبران مذهبی و روحانی برای صلح جهانی در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک پیامی صادر فرمودند. متن این پیام که توسط آیت الله جوادی آملی در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک قرائت گردید بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي جميع انبياء الله و رسله، سيما علي خاتم النبیین محمد و آله الطاهرين والسلام علي بقيه الله في الارضين.
گردهمایی نمایندگان ادیان عالم را کاری شایسته و مبارک می‌شمارم و از خداوند متعال، توفیق عمل به گفته‌ها و تداوم تلاش برای بهره‌مند کردن بشریت از دین الهی را مسألت می‌کنم.
رهبران ادیان، امروز خود را جانشینان پیامبران و دنباله روان و ادامه دهندگان راه آنان می‌شمارند. هدف ادیان چه بوده و پیامبران به مخاطبان خود، چه پیامی را از سوی خداوند متعال عرضه کرده‌اند؟ پاسخ به این سؤال باید امروز راه و روش همه‌ی کسانی را که پرچم ادیان را در دست دارند، روشن سازد.
بی‌شک ادیان همگی فلاح و رستگاری و نجات انسان را هدف خود دانسته‌اند و هر یک به تناسب زمان و مکان و ظرفیت مخاطبان، برنامه‌ی را از سوی خداوند به میان مردم آورده‌اند. آنان عموماً برای ابلاغ و تحقق بخشیدن به پیام خود، متحمل مجاهدتی دشوار و طولانی گشته و نمونه‌های ممتازی از فداکاری در راه عقیده و راه خود را در یادها ماندگار ساخته‌اند.

این جهاد و تلاش مؤمنانه، برای رستگاری مردم و در راه خدا و عموماً در برابر امیال و غرضها یا در برابر جهالت‌هایی بوده است که صاحبان اغراض به آن دامن زده‌اند. تاریخ جهان و کتابهای مقدس ادیان، سرشار از ذکر این مجاهدتها و تجلیل از آن مجاهدان است.

دین خدا، رستگاری را برای مردمی خاص و زمانی خاص و منطقه‌ی خاص نمی‌خواهد، آن را بر مردم تحمیل نمی‌کند، و آن را مخصوص بخشی از عرصه‌های زندگی آنان نمی‌داند. بلکه همه‌ی مردم در همه جا و همه وقت و نسبت به زندگی فردی و اجتماعی خود، مخاطب پیامبران خدایند، و آنان با جلب ایمان و برانگیختن خرد و تلاش انسانها، هدایت الهی را به آنان هدیه می‌کنند و صراط مستقیم به سوی فلاح و صلاح را در برابر آنان می‌گشایند. تجربه‌ی قرنهای اخیر و مخصوصاً قرن بیستم ثابت کرد که پیشرفت علم به تنهایی بشر را به سعادت نمی‌رساند و سعادت و صلح را به ارمغان نمی‌آورد.
علم وقتی برای جامعه بشری سودمند است که با عشق، انگیزه و ایمان همراه شود و این گمشده‌ها را باید در ادیان جستجو کرد.

شایسته نیست که برنامه‌ی پیام آوران سعادت انسان را منحصر به عمل فردی و رابطه روحی او با خدا بپنداریم و عرصه‌ی عظیم رابطه‌ی انسان با انسان، رابطه‌ی فرد با جامعه، رابطه‌ی انسان با محیط زیست، و تشکیل نظام اجتماعی و سیاسی را از آن محروم بدانیم.
از نظر ما همه‌ی پیامبران خدا در این خط روشن، راه پیموده‌اند و ما به همه‌ی پیامبران ایمان و عشق و می‌ورزیم: "لا نفرق بین احمد من رسله".

ادیان الهی دنیا را پرورشگاه آدمی و محل امتحان او می‌دانند و منحصرراً راه تعالی معنوی بشر را در بنای دنیایی سالم و به دور از عوارض طغیانها و خودخواهیها و تنگ نظریهای قدرت‌طلبان و ضعف و جهالت و انفعال کوتاه‌نظران، دانسته‌اند و برای ایجاد چنین دنیایی مجاهدت کرده‌اند. رهاکردن و بی‌اعتنایی به طبیعت و نیروها و قوانینی که در آن برای تعالی انسان ودیعه نهاده شده است، همانند تصرف ظالمانه و فسادانگیز در آن محکوم و مردود است. سلامت محیط پرورش آدمی، به معنای آن است که بشر با خدای خود، با درون خود، با هموعان خود و با طبیعت

پیرامون خود با صلح و سلامت رفتار کند.

صلح به این معنای عام یکی از بزرگترین نیازهای بشر برای رشد و تعالی و رستگاری است. این صلح باید برخاسته از ایمان و اندیشه باشد. انبیاء کوشیده‌اند این حقیقت را واقعیت ببخشند. محیط سکوت ناشی از زور و رعب و فریبی که کارگزاران زر و زور در بخشهایی از عالم پدید می‌آورند، با صلحی که مبشران رستگاری انسان بدان فرامی‌خوانند، بکلی متفاوت و متناقض است. صلح باید بر مبنای عدالت و با معرفت به کرامت انسان و به دور از اغراض قدرتمداران عالم باشد. تحمیل سکوت و تسلیم بر مردمی که به دفاع از حق پایمال شده‌ی خود برخاسته‌اند آن صلحی نیست که پیام آوران صلح آسمانی به آن دعوت کرده‌اند. در طول تاریخ، همواره قدرت‌طلبانی که جز به اشباع هوسهای سیری‌ناپذیر خود نمی‌اندیشیده‌اند خواسته‌اند از دین و رجال دینی نیز در راه مقاصد سلطه‌طلبانه‌ی خود بهره‌کشی کنند. هیچ دین الهی این نیرنگ بزرگ را تأیید نکرده است. بسیاری از جنگ‌های به ظاهر مذهبی آلوده به چنین سوء نیتی بوده است.

دین در خدمت سیاست‌های سلطه‌طلبانه قرار نمی‌گیرد، بلکه حوزه‌ی سیاست و اداره امور جوامع بشری را جزیی از قلمرو خود می‌داند و خود در مقام نظام سیاسی متکی به عشق و ایمان مردم با آن سیاستها مبارزه می‌کند. بسیاری از ارباب سلطه و سیاستمداران قدرت‌طلب، دین را از تصرف حوزه‌ی سیاست برحذر می‌دارند و میان دین و سیاست مرزی عبورناپذیر تعریف می‌کنند.

گرچه خود، این مرزبندی را هرگز رعایت نکرده و به حوزه دین دست‌اندازی و از آن بهره‌کشی کرده‌اند. جهان امروز با مشکل فساد اخلاقی روبرو است. ادیان می‌توانند در حل این مشکل قویا چاره‌ساز و راهگشا باشند، بشرط آن که در همه‌ی پیکر جامعه حضور و جریان داشته باشند و بتوانند انگیزه‌های اقتصادی را که به فساد اخلاقی دامن می‌زنند تطهیر و تعدیل کنند. امروز دنیا تجربه‌ی موفق تشکیل نظام سیاسی بر اساس تعالیم دینی را در ایران اسلامی در برابر چشم خود دارد. بزرگترین چالش جمهوری اسلامی خنثی کردن مشکلاتی است که از سوی قدرت‌طلبان بزرگ دنیا بر آن تحمیل می‌شود.

آنان مایل نیستند در این نقطه از جهان نیز هیچ مانعی بر سر راه تحمیلها و ستمگریها و افزون‌طلبیهای آنان خودنمایی کند.

دوستان و میهمانان! اگر رهبران ادیان الهی می‌پذیرند که در جای پیامبران نشسته‌اند، راه روشن آن پیام آوران فلاح و سعادت انسان، در برابر آنهاست.

این راهی پرتلاش و پرمانع است، ولی در عین حال راهی است که بهجت و رضایت رهرو خود، و در نهایت رضایت الهی را میسر و محقق می‌سازد، و لینصرن الله من ینصره و رسله
والحمد لله رب العالمین
سید علی خامنه‌ای